

## بررسی علل شناختی فساد اداری در پرتو یافته‌های

### جرم‌شناسی

محمد نبی اخلاقی<sup>۱</sup>

#### چکیده

فساد اداری یکی از پرچالش‌ترین پدیده‌هایی است که عرصه‌های مختلف اقتصادی، اداری، سیاسی و حکومت‌داری خوب را به معضلات و بحران‌های مهلک مواجه نموده است. به‌خصوص فساد اداری در کشور افغانستان، آسیب جدی به حوزه سلامت اداری و نظام اقتصادی، سیاسی وارد کرده است. فساد انبوه و چشمگیر در ادارات دولتی افغانستان آثار و پیامدهای مخربی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به وجود می‌آورد، از بی‌اعتمادی شهروندان گرفته تا فروپاشی نظام سیاسی و چالش‌های بزرگ اقتصادی و انواع معضلات اجتماعی. مبارزه تأثیرگذار و بازدارنده با فساد اداری نیازمند شناخت دقیق علل و بسترهایی است که زمینه‌ساز فساد اداری می‌گردد. به این ترتیب در فرایند پژوهش به این پرسش بنیادین پاسخ‌هایی ارایه شده است که علل و بسترهای فراهم شده فساد اداری در پرتو یافته‌های جرم‌شناسی چیست؟ به‌عبارت دیگر بر اساس گفتمان جرم‌شناسانه و تئوری‌های محققان جرم‌شناختی، چه عوامل اثرگذاری در فرایند تکوین فساد اداری نقش ایفا می‌کند؟ در پاسخ به این پرسش، محققان حوزه جرم‌شناسی، فرضیه‌ها و عوامل مختلفی را مورد بررسی و ارزیابی قرار داده‌اند. طبق تئوری‌های جرم‌شناسانه، علل سیاسی و ایدئولوژیک، علل مالی، اقتصادی، حقوقی و قضایی، محیطی و ساختاری، اداری و ناکارآمدی قوانین و خلاءهای تقنینی، فقر، نابرابری اقتصادی، بحران اقتصادی و مجموعه عوامل دیگر ترکیبی از جمله عوامل تأثیرگذار در فرایند انگیزشی مرتکب و تکوین فساد اداری است.

**کلیدواژه‌ها:** فساد اداری، تئوری‌های جرم‌شناختی، علل شناختی فساد اداری و نظام حقوقی افغانستان.

۱. دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی جامعه المصطفی<sup>ع</sup> العالمیه خراسان

## مقدمه

فساد اداری از جمله معضلاتی است که افغانستان را با چالش‌های مختلف سیاسی، اداری، اقتصادی و اجتماعی روبرو نموده است. در سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۷ افغانستان نام فاسدترین کشور را در میان کشورهای جهان به خود اختصاص داده است. این در حالیست که حکومت و دستگاه قانون‌گذاری در این مورد تدابیر پیشگیرانه و سیاست جنایی سرکوب‌گرانه و غیر سرکوب‌گرانه را پیش بینی نموده است. علی‌رغمی که حکومت در این مورد قواعد و مقرراتی را در نظر گرفته است، همچنان نرخ فساد اداری کاهش نیافته است. علت این که سیاست جنایی موجود از جنبه بازدارندگی و اربابی برخوردار نیست به مشکلات شناخت‌شناسی علل فساد اداری و فرایند عوامل اثرگذار در روند ارتکاب فساد اداری بر می‌گردد.

بررسی‌های جرم‌شناسی نشان دهنده این امر است که عوامل مختلفی در فرایند تکوین فساد اداری نقش ایفا می‌کند. داده‌هایی که در مورد علل شناختی جرایم اقتصادی و فساد اداری در کتب جرم‌شناسی ارائه شده است مبتنی بر فرضیات بنیادین و اثرگذاری است که اگر جرم‌انگاری‌ها و کیفر گذاری‌های مربوطه براساس ضوابط این رشته‌ی علمی صورت گیرد، امید به مبارزه اثر بخش را نوید داده و نرخ فساد اداری در کشور را تقلیل می‌دهد.

علل عمده‌ی فساد اداری در افغانستان با توجه به یافته‌های میدانی و داده‌های جرم‌شناسی نیز مبتنی بر این محتوا و گفتمان استوار است و نمی‌توان از دیدگاه‌های صرف تک‌عاملی در این مورد بهره برد و بر این اساس جرم‌انگاری‌هایی انجام داد. در فرایند ارتکاب فساد اداری بایستی مجموعه‌ای از عوامل مطرح در جرم‌شناسی مورد بررسی قرار داده شود و با توجه به شناسایی علت اصلی و مؤثر دخیل در فساد اداری جرم‌انگاری و کیفر گذاری صورت گیرد.

## مفهوم شناسی

### ۱. تعریف فساد اداری

در مورد تعریف سیاست جنایی نظریه‌های متعدد و مختلفی از سوی پژوهشگران حقوق ارائه شده است. در تعریف لغوی فساد آمده است «فساد به معنای تباهی، ستم، مال کسی را گرفتن، گزند، زیان، ظلم و ستم، شرارت، بدکاری و... است» (افضلی، ۱۳۹۰، ص ۳۲)

در تعریف اصطلاحی فساد اداری آمده است «فساد اداری به سوء استفاده از قدرت برای کسب منفعت شخصی یا منافع گروهی اشاره دارد. فساد تجلی نوعی از رفتار مقامات دولتی خواه سیاستمداران و خواه مستخدمان کشور است که در آن به طور نادرست و غیر قانونی با سوء استفاده از قدرت عمومی محول شده به آنها، خود و نزدیکان‌شان را غنی می‌سازند» (دانایی فرد، ۱۳۷۸، ص ۵۴)

بسیاری از دانشمندان و متفکران سیاسی مانند ویتوتانزی، ماکیاول، منتسکیو، روسو، بنتام، و گورنال میردال، به تعریف و اظهار نظر در مورد فساد پرداخته‌اند. به عقیده ماکیاول «فساد جریانی است که طی آن موازین اخلاقی افراد سست و فضیلت و تقوای آنها به نابودی کشیده می‌شود. از آن جایی که بسیاری از افراد از نظر درجه تقوا و پرهیزگاری ضعیف هستند، زمینه فساد در آنها همواره وجود دارد مگر آن زمانی که تحت هدایت و نفوذ یک رهبر بزرگ قرار گیرند» (زاهدی، ۱۳۷۵، ص ۶۵)

در تعریف دیگری فساد اداری آمده است «فساد اداری به هر نوع تصرف غیر قانونی در اموال دولتی و سوء استفاده از موقعیت و استفاده غیر قانونی از اختیارات و قدرت در جهت استفاده از امکانات مالی، فساد مالی اطلاق می‌شود که دارای مصادیقی چون اختلاس، رشوه، اخاذی، و رانت‌های اقتصادی، برداشت و دخل و تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال، استفاده از امتیازات و بهره برداری‌های مالی و اشکال گوناگون دیگر است. به عبارت خلاصه، فساد اقتصادی، سوء استفاده از مقام و موقعیت دولتی برای کسب منافع شخصی است» (استرفلد، بی تا، ص ۱۳)

## ۲. تعریف جرم‌شناسی

در تعریف جرم‌شناسی محققان زیادی نظریه‌پردازی کرده‌اند. از لحاظ تاریخی اصطلاح جرم‌شناسی برای اولین بار توسط توپینار دانشمند فرانسوی در سال ۱۸۷۹ به کار برده شده است. در سال ۱۸۸۵ برای اولین بار گاروفالو قاضی ایتالیایی، کتابی را تحت عنوان جرم‌شناسی منتشر کرد.

دورکیم در تعریف جرم‌شناسی می‌نویسد «جرم‌شناسی اعمالی هستند که وقتی واقع می‌شوند واکنشی را ایجاد می‌کند که در عرف به آن واکنش کیفر می‌گویند» در تعریفی دیگر آمده است «جرم‌شناسی رشته‌ای است که به مطالعه واقعیت جنایی یا مجرمانه می‌پردازد چنان که از مطالعه وقایع و آیین‌های شکلی در رابطه با جرم و بررسی دفاع علیه جرم غافل نمی‌ماند» (ثابتی پور، ۱۳۹۷، ص ۵۳)

در تعریف دیگر آمده است «جرم‌شناسی یا بزه‌شناسی رشته‌ای است از علوم جنایی، که درباره عوامل جرم‌زا، کیفیات، امور، مقتضیات، شرایط فردی، محیطی و اجتماعی مؤثر

در بروز رفتار جنایی یا علل وقوع جرم و صور گوناگون بزه و جنبه‌های کمی و کیفی آن به بحث می‌پردازد» (کی‌نیا، ۱۳۹۳، ص ۳)

## علل شناسی فساد اداری در پرتو یافته‌های جرم‌شناسی

### ۱. ناکارآمدی قانون و خلاءهای تقنینی

ضعف قوانین، و خلاءهای قانونی بستر مناسب برای شکل‌گیری انگیزه‌های مجرمانه اداری را فراهم می‌کند. ضعف و ناکارآمدی قوانین و نبود قانون سبب می‌شود، که مجرمان و تبه‌کاران از این خلاء استفاده‌های بسیاری در رفتارهای مجرمانه خود داشته باشند. خلاء قانونی و عدم جرم‌انگاری‌های قانون‌گذار، در قانون از مهمترین بسترها و زمینه‌های بزهکاری فساد اداری هستند، که موجب ترغیب و تشویق بزهکاران در رفتارهای مجرمانه آن‌ها می‌شود. بسیاری از قوانین کشور در زمینه مبارزه با مفاسد اداری و اقتصادی مطابق شرایط روز و نیازهای امروز اجتماعی بروز نشده است. بروز نبودن قوانین عملاً باعث فقدان کارایی و عدم ثمر بخشی قوانین خواهد شد.

در مقابل ثبات و شفافیت قوانین و مقررات از مهمترین عوامل در تأمین امنیت اقتصادی و کاهش جرایم اقتصادی است. ثبات قوانین محیط اقتصادی را برای فعالیت‌های اقتصادی تثبیت کرده و شفافیت قوانین امکان برنامه‌ریزی دقیق را فراهم می‌سازد. (عزتی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۴)

وضع و تدوین قوانین عادلانه در حوزه فساد اداری می‌تواند، در پیشگیری از فساد اداری بسیار مؤثر باشد اما وضع قوانین غیر عادلانه، بی‌توجهی به مسائل جامعه، عدم آگاهی نمایندگان از علل مختلف جرمی، مانند چالش‌های قانونی، ساختاری، سیاسی، روانشناسی، اجتماعی و جامعه‌شناسی و عامل‌های شخصیتی افراد، تکوین جرم را ساده می‌سازد. به خصوص مجرمان حرفه‌ای و با سابقه می‌توانند از قانون و خلاء موجود در آن به‌نحو چشم‌گیری استفاده نمایند. (اخلاقی نویان، ۱۳۹۸، ص ۶۰)

### ۲. علل سیاسی و ایدئولوژیک

برخی از اندیشمندان و جرم‌شناسان بر این عقیده‌اند که علل ارتکاب فساد اداری و جرایم اقتصادی به ساختار سیاسی و عوامل ایدئولوژیک و نوع رژیم سیاسی بر می‌گردد. در واقع این ساختارها و کنش‌های دستگاه حاکم عامل اصلی جرم و واکنش بزهکاران نسبت به حکومت می‌شود.

نوع رژیم سیاسی در افزایش و یا کاهش انواع جرایم مؤثر است. بزه‌ی که ناشی از رفتار و اعمال افراد می‌باشد، از رژیم سیاسی منفک و مجزا نیست. بشر در هر نوع رژیم

سیاسی ممکن است تحت تأثیر احساسات درونی و وضع روانی و جسمی، مرتکب جرم شود. سیاست غیر منطقی و غیر اصولی، اهمال و سستی هیئت حاکمه نیز ممکن است منجر به بروز جرایم خاص از قبیل تقلب در انتخابات، فساد اداری، (اخذ رشوه و اختلاس) و غیره گردد. (دانش تاج زمان، ۱۳۸۸، ص ۳۶۳)

عدم استقلال کامل قوه قضائیه، نفوذ قوه مجریه بر آن و بر دستگاه‌های نظارتی و بازرسی، فشار گروه‌های ذی‌نفوذ در داخل و خارج سازمان، فساد سیاست‌مداران عالی‌رتبه، جوسازی و غوغاسالاری، توصیه برای در امان ماندن مدیران متخلف از مجازات، و سرانجام، عدم آگاهی مردم از حقوق سیاسی خود در برابر قانون از عوامل سیاسی تسهیل‌کننده تخلفات و فساد اداری است.

قبل از جنگ دیکتاتوری‌های نازی و فاشیست مباحث می‌کردند که بزهکاری در کشور آن‌ها به مراتب پایین‌تر از سایر کشورها است. امروزه کشورهای سوسیالیست همان مزایا را به خود نسبت می‌دهند. در حقیقت دموکراسی آزاد مسلماً تا حدودی زمینه بزهکاری را مساعد می‌کند. بررسی ساختار بزهکاری در دموکراسی‌های آزاد این نکته را روشن ساخت که طبع بعضی از جرایم تا حدودی به ساختار سیاسی آن بر می‌گردد. از جمله می‌توان به تقلبات انتخاباتی و در بعضی کشورها (امریکا و کانادا) به جرایمی چون فساد لیدرهای سیاسی، رؤسای سندبکاها یا مقامات مسؤول پلیس اشاره کرد. (ریمون گسن، ۱۳۸۵، ص ۱۰۳)

عوامل سیاسی معمولاً به بخش‌های درون حاکمیت و عناصر اداری وابسته به یک کشور معطوف است که موجب رواج پدیده‌های مجرمانه و یا تشدید آن می‌شود. فرایند جهانی شدن نیز در این مورد بی‌تأثیر نیست. جهانی شدن در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مطرح است ولی جهانی شدن اقتصاد یکی از مظاهر بارز و آشکار جهانی شدن است. در تعریف جهانی شدن بیشتر عنصر اقتصادی آن غلبه دارد، تا عناصر سیاسی، علمی، فرهنگی و اجتماعی. جهانی شدن اقتصاد که در آن سود و منافع مالی و رقابت‌های اقتصادی حرف اول را می‌زند، بیشتر دامن زده می‌شود. امکان وقوع جرم و سوء استفاده از مبادلات تجاری را فراهم می‌کند، مثال بارز آن تطهیر درآمدهای نامشروع است. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۴، ص ۱۸۱)

به عبارت دیگر جهانی شدن باعث تسهیل در مراودات و معاملات بین‌المللی و به تبع آن سهولت در امر تطهیر درآمدهای نامشروع حاصل از جرایم اقتصادی می‌گردد، که این امر نیز به نوبه خود باعث ترغیب و گرایش هر چه بیشتر به سمت ارتکاب فساد اداری و جرایم اقتصادی خواهد شد. (یوسفی مراغه، ۱۳۹۲، ص ۱۴۶)

مارکسیست‌ها و طرفداران اصالت جامعه بنابر عقیده ایدئولوژیک معتقدند که اصولاً جرم مظهر جامعه سرمایه‌داری است، جرم با جامعه سرمایه‌داری و لیبرال همزاد و عجین است، زیرا که در این جوامع سرمایه و ابزار تولید، به‌دست یک طبقه اندک است. در مقابل کارگران که اکثریت را تشکیل می‌دهد در خدمت طبقه حاکم (سرمایه‌داران) هستند، از آنجا که شکوفایی سرمایه مفرط است، مزد و هزینه امکانات کم است، لذا در کشورهای تابع نظام سرمایه‌داری نوعی استثمار وجود دارد که سبب می‌شود عده‌ی زیادی از مردم به حقوق‌شان نرسند و مرتکب جرایم اقتصادی شوند. مارکسیست‌ها به این نتیجه دست یافتند که در صورت فروپاشی نظام سرمایه‌داری و استقرار نظام کمونیستی که در آن سرمایه بین همه تقسیم می‌شود، دیگر دلیلی بر ارتکاب فساد اداری و جرایم اقتصادی وجود نخواهد داشت. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸، ص ۳۴۲)

طرفداران این نظریه دولتی شدن اقتصاد و تسلط دولت بر تمامی جنبه‌های اقتصاد را تنها راه حل ریشه کن نمودن جرم از سطح جامعه می‌دانند. نظریه مارکسیستی مخالفانی هم دارد، مخالفان، مدل کمونیستی و سوسیالیستی را قبول ندارند و در مقابل طرفدار کم رنگ شدن حضور دولت در عرصه‌های خصوصی و اقتصادی هستند. لیبرالیزم و طرفداران نظام سرمایه‌داری و بازار آزاد، حضور پر رنگ دولت را در عرصه‌های اقتصادی و تلفیق اقتصاد و سیاست را نوعی نظام دیکتاتوری دانسته و معتقدند که مدل مارکسیستی زمینه‌ساز فعالیت‌های غیر رسمی است و به سیاست‌مداران و دیگر متنفذان جامعه امکان می‌دهد که از نفوذ سیاسی، نظامی، سیاسی و حزبی خود سوء استفاده کنند. جرایمی که نخبگان حاکم، فن سالاران و در کل اجزای تشکیل دهنده دولت و نزدیکان آن مرتکب می‌شوند ابعاد وسیع تری دارد. (شکیبایی واحمدی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۸)

بدین ترتیب نقش ساختار سیاسی، نوع نظام سیاسی و اقتصادی و شاخص‌های ایدئولوژیکی را نمی‌توان در ارتکاب فساد اداری و جرم اقتصادی نادیده گرفت.

### ۳. علل مالی و اقتصادی

سود جویی، منفعت طلبی، رسیدن به مال و اندوخته‌های مالی بیشتر در فرایند گسترش فساد اداری و جرم اقتصادی تأثیر گذار است. در بسیاری موارد علت ارتکاب فساد اداری منافع مالی و اقتصادی است، دغدغه‌های پولی، ثروت اندوزی، پول‌دار شدن از شاخصه‌های مهم انگیزه‌های ارتکاب جرم است. (خاطری، ۱۳۹۰، ص ۴۵)

سود اقتصادی، کاهش درآمدها، بی‌عدالتی، مادی‌گرایی، بی‌ثباتی اقتصادی، تورم افسار گسیخته، عدم تناسب دخل و خرج ناشی از عدم عدالت اقتصادی، کاهش قدرت

خرید مردم و توزیع نامناسب درآمدها در جامعه، از عوامل مهم اقتصادی است که زمینه‌های بروز سوء استفاده‌های مالی و تخلفات اداری را فراهم می‌سازد. طیف گسترده‌ای از جرایم با اهداف و انگیزه‌های مادی و اقتصادی صورت می‌گیرد این ویژگی نه تنها در مورد فساد و جرایم اقتصادی صدق می‌کند بلکه بسیاری از جرایم خشن و خشونت آمیز دیگری نیز با این اهداف و انگیزه ارتکاب می‌یابد. عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم هم بر بنیاد انگیزه و خرد تکیه دارد و هم بر عنصر ساختار سیاسی و اجتماعی، که هر دو روند میزان بزهکاری اقتصادی را افزایش می‌دهد. (اخلاقی نویان، ۱۳۹۸، ص ۱۷۹)

#### ۴. علل حقوقی و قضایی

سیاست گذاری، و نوع برخورد دستگاه قضایی و متولیان حاکمیت قانون، بر انگیزه دهی فساد اداری نقش اساسی ایفا کرده و می‌کند. بعضی معتقدند که «مقررات در برخورد با سوء استفاده و بهره‌مندی مجرمین اقتصادی، سیاسی و پولشویی و نیز ثروت‌های نامشروع تحصیل شده در داخل کشور و هم چنین انتقال ثروت‌های نامشروع خود به خارج از کشور و بانک‌های خاص و حساب‌های ناشناخته از عوامل ایجاد فساد اقتصادی است که نیازمند وضع قوانین تازه و بروز است. زیرا وجود ابهام و فقدان شفافیت لازم در ضوابط و مقررات نیز علت مناسبی برای مفسد اقتصادی ایجاد کرده است که این معضل نیازمند صدور دستور العمل‌ها و بخش نامه‌های شفاف‌ساز در مؤسسات دولتی و بانک‌ها می‌باشد.» (بیابانی، ۱۳۸۸، ص ۲۵)

طبق نظر دیگر «بزار برخورد با جرم در دستگاه قضایی قانون است، الزام به تفسیر مضیق از قانون و قاعده‌ی تفسیر قانون به نفع متهم، به درستی مانع از برخورد فرا قانونی با متهم است. همین امر در برخورد با بسیاری از مفسد اقتصادی راه را برای سوء استفاده‌های مالی و گریز از قانون فراهم می‌کند، اهمیت موضوع زمانی آشکار می‌شود که آسیب‌های ناشی از سوء استفاده‌های اقتصادی چه به صورت قانونی و چه به صورت غیر قانونی تقریباً یکسان است.» (چاوشی، ۱۳۸۹، شماره ۱۳ تا ۱۶)

طبق دیدگاه بائر دستگاه‌های قضایی و تقنینی با بزهکاران اقتصادی به مانند بزهکاران عادی رفتار نمی‌کند، رفتار خشن و سخت دولت در قبال مجرمین عادی و رفتار نرم و تساهل مدارانه‌ی دولت در قبال مجرمین اقتصادی سبب تشویق انگیزه‌های جرمی آنان می‌شود. نفوذ افراد متمول و ثروتمند بر سایر افراد جامعه از دیگر عوامل بزهکاری اقتصادی و فساد مالی است زیرا نفوذ آن‌ها در ادارات ذی صلاح مانع وضع قوانین کاربردی و دادرسی‌های مراجع رسیدگی کننده می‌شود. موقعیت بالای اجتماعی بزهکاران

از دیگر عامل بزهکاری اقتصادی است، موقعیت آن‌ها اعتماد ساز است و می‌تواند مورد سوء استفاده قرار گیرد و جرم‌زا باشد. توسعه و فن‌آوری هم می‌تواند نقش بنیادین و اساسی در ارتکاب جرم اقتصادی داشته باشد. (Matthews, ۲۰۱۴, p ۷۶)

در دنیای امروز حجم عظیمی از داد و ستدها، خدمات نقل و انتقال سرمایه‌ها و خرید فروش از طریق خدمات تجارت و بانکداری الکترونیکی و با استفاده از شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای نظیر اینترنت، اینترنت و اکسترانت سازمان‌ها و مؤسسات اقتصادی صورت می‌پذیرد و بدون نیاز به حضور ملموس و همزمان طرفین رابطه تجاری اموال و خدمات خریداری شده، قراردادهای تجاری منعقد و مبالغ مورد نظر طرفین در سطح شبکه منتقل گردیده و می‌تواند مورد سوء استفاده قرار گیرد. (نجفی ابرنآبادی، پیشین، ص ۱۲۷)

## ۵. علل محیطی

بررسی‌های جرم‌شناسی نشان می‌دهد که بین محیط و فساد اداری و جرایم اقتصادی رابطه وجود دارد.

از دیدگاه کوراکیس عامل محیطی دارای دو شاخصه کلیدی است که آن‌ها زمینه‌ساز جرم و بزهکاری اقتصادی می‌شود. جامعه و فن‌آوری‌های نوین از استراتژی‌های اصلی محیط هستند که در فرایند تکامل انگیزه‌های جرمی نقش به‌سزایی دارد. جامعه زمینه‌ساز تشویق رقابت‌های ناسالم می‌شود، جامعه افراد را به سمت مصرف بیشتر سوق می‌دهد، به‌عبارت دیگر منافع طلبی و سود خواهی افراد جامعه را به سمت بزهکاری می‌کشاند. فن‌آوری‌های نوین از دیگر ابزار محیط هستند که زمینه‌های ارتکاب جرم اقتصادی را فراهم می‌کند. بر اساس تحقیقات دانش پژوهان، «امروزه بشر کنترل لازم بر اختراعات و اکتشافات و فن‌آوری‌های نوین را از دست داده است. اتم، رایانه، فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات، شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای و تجارت و بانکداری الکترونیکی، همزمان به ابزار مثبتی برای پیشبرد اهداف رقابتی و کسب سودهای سرشار و نیز ابزار مجرمانه برای دستیابی به سودهای نامشروع و ارتکاب جرم به‌ویژه جرایم اقتصادی تبدیل شده است.» (اخلاقی نویان، ۱۳۹۸، ص ۱۰۵)

## ۶. علل ساختاری و اداری

تشکیلات و ساختار اداری غیرکارآمد، حجیم و نامتناسب با اهداف و وظایف، پیچیدگی قوانین، مقررات و تعدد بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اداری، مدیران غیر مؤثر، فقدان نظام شایسته‌سالاری، وجود تبعیضات در زمینه‌های استخدام، انتصاب و ارتقای



افراد، نارسایی در نظام حقوق و دستمزد، نظام پاداش و تنبیه و به‌ویژه نظام نظارت و ارزشیابی، ترجیح اهداف گروهی به اهداف سازمان و مانند آن، از عوامل اداری تسهیل‌کننده تخلفات می‌باشند.

ریشه‌ها و عوامل یاد شده، موجب ایجاد عارضه‌هایی در نظام اداری می‌گردد که به اشکال گوناگون جلوه‌گر می‌شود؛ از جمله: کاهش رضایت شغلی، کاهش انگیزش کارکنان، جمود شخصیت، روحیه محافظه‌کاری و سرخوردگی در بین کارکنان، کاهش خلاقیت و نوآوری، کاهش سرعت در انجام امور، تمرکز غیرمنطقی بر انضباط اداری، رقابت ناسالم، و ایجاد جو بدبینی و بی‌اعتمادی در سازمان، علل و عوامل مذکور همراه عوارض آنها موجبات تخلفات اداری را فراهم می‌سازند که در نهایت منجر به فساد اداری می‌شود. (نجاری، ۱۳۸۷، ص ۹۶)

## ۷. فقر

فقر از موضوعاتی است که مباحث زیادی پیرامون آن مطرح است. برخی معتقدند که بین فقر و بزهکاری رابطه مثبت وجود دارد و گروهی می‌گویند رابطه منفی برقرار است. به‌صورت کلی تحقیقات و پژوهش‌های تجربی محققان نشان دهنده و حاکی از آن است که میان فقر و بزهکاری رابطه وجود دارد و برخی محققان معتقدند که میان فقر و بزهکاری رابطه مستقیم وجود ندارد، در مناطقی که اکثراً یا تمام افراد یک قبیله یا یک کشور فقیر هستند بزهکاری به مراتب کمتر از کشورهای غنی و ثروت مند است. در کشورهایی فقیر که همه زندگی ساده دارند و با اندک چیزی امرار معاش می‌کنند زمینه برای سرقت و کلاهبرداری وجود ندارد. با تحقیقاتی که در آمریکا و کشورهای سرمایه‌داری صورت گرفته است، تعداد بزهکاران در کشورهای مذکور به مراتب بیش از کشورهای فقیر است. (تاج زمان، ۱۳۸۸، ص ۳۵۷)

شاو و مکی معتقدند که فقر به تنهایی نمی‌تواند عامل جرم باشد، چون نرخ جرم با تغییر تعداد افراد فقیر سازگاری و مطابقت زیادی از خود نشان نمی‌دهد. با این وجود شواهد زیادی مبنی بر اهمیت فقر به‌عنوان عامل مهم و تعیین‌کننده وقوع جرم وجود دارد. (shaw, C.R. & McKay, ۱۹۹۶, p ۵۴)

فیلیپس معتقد است که فشار فقر می‌تواند منجر به بی‌مسئولیتی و در نتیجه سبب انحرافات اجتماعی شود، به نظر وی ایجاد استقلال اقتصادی برای افراد فقیر مهمترین عامل برای ریشه‌کنی و مبارزه با فساد و جرم اقتصادی می‌باشد. فقر به طور مستقیم و غیر مستقیم باعث افزایش فعالیت‌های مجرمانه می‌شود، بنابراین استدلال می‌شود در هر

جامعه‌ای، نرخ جرم رابطه مستقیم با نرخ فقر داشته باشد و افزایش فقر منجر به افزایش جرم می‌گردد. (صادقی، حسین و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۶۳)

طرفداران برنامه‌های بزرگ اجتماعی دولت فدرال در دهه ۱۹۶۰ معتقد بودند که بهبود فقر از طریق ارتقای شرایط زندگی افراد و به‌موجب آن، کاهش مشارکت در فعالیت‌های مجرمانه در نهایت به کاهش میزان جرم منجر می‌شود. (نوغانی، ۱۳۹۴، ص ۸۵)

نیکرسون مدعی است که بیشتر جرایم در جامعه فقیر اتفاق می‌افتد و فقرا اکثراً در مقایسه با افراد ثروتمند؛ خودشان را قربانی جرم می‌کنند. (اخلاقی نویان، ۱۳۹۸، ص ۸۱)

بدین ترتیب میان نرخ بزهکاری و نرخ فقر رابطه وجود دارد، در هر میزان نرخ فقر افزایش یابد نرخ بزهکاری نیز افزایش می‌یابد و در صورتی که نرخ فقر کاهش یابد، نرخ بزهکاری نیز به همان اندازه و تناسب کاهش پیدا می‌کند.

در ادبیات اقتصادی دو نوع فقر وجود دارد، فقر مطلق که از طریق خط فقری که به‌عنوان تأمین حداقل هزینه‌های لازم در زندگی، کسب رضایت در تأمین سلامت و بهداشت تعریف می‌شود، قابل اندازه‌گیری است. فقر نسبی که در این حالت فرد حداقل‌ها را داشته لکن نسبت به سایر گروه‌ها درآمد کمتری دارد، فقیر محسوب می‌شود. با توجه به انواع فقر و بعضی از تحقیقات ارایه شده، بین جرم و فقر رابطه منفی وجود دارد.

برخی از تحقیقات نشان می‌دهد که هیچ ارتباطی بین هر دو وجود ندارد به‌عنوان نمونه کوتلت در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده است که جرم در مناطقی که تغییرات سریع و زودگذر اقتصادی و اجتماعی رخ می‌دهد در مقایسه با نواحی که افراد فقیرند ولی قادر به تأمین نیازهای اساسی خود هستند محسوس‌تر است. و هم چنین مکی و همکارش به این نتیجه دست یافته است که فقر به تنهایی نمی‌تواند عامل جرم باشد زیرا که نرخ‌های جرم با تغییر در تعداد افراد فقیر سازگاری و مطابقت زیاد از خود نشان نمی‌دهد. ولی بر اساس دیدگاه‌های اکثر دانشمندان و دانش‌پژوهان نقش فقر به‌عنوان عامل تعیین‌کننده وقوع جرم از اهمیت مهم برخوردار است. توجیه اساسی این نظریه این است که اگر کسی گرسنه بماند غذا دزدی می‌کند. (اخلاقی نویان، ۱۳۹۸، ص ۸۱)

## ۸. نابرابری اقتصادی

نابرابری اقتصادی و جامعه‌های طبقاتی که در آن اقتصاد میان شهروندان به‌طور مساوی و یکسان توزیع نشده است، فرصت‌های جرمی را افزایش می‌دهد. نابرابری اجتماعی و اختلافات طبقات اقتصادی باعث می‌شود که قشر محروم و فقیر جامعه از

حقوق مالی خود محروم بماند و در مقابل طبقه اشراف و یقه‌سفیدان که در کمال امتیازات مادی و مالی خود به سر می‌برند مرتکب رانت‌های کلان اقتصادی شده و اکثریت امکانات جامعه را در اختیار خود ضبط کنند و خود را صاحب احترام و مقام بدانند. این دیدگاه خود عامل ارتکاب بسیاری از جرایم می‌باشد. (تاج زمان، ۱۳۸۸، ص ۲۶)

مارکس، پدیده جرم را ناشی از ناهنجاری‌ها و نابرابری‌های اقتصادی می‌دانست. آرونسون با بهره‌گیری از مطالعات تجربی فرانک به این نتیجه می‌رسد که «جوامعی که از سطح نابرابری بالاتری برخوردار باشد نرخ جرم نیز بالا خواهد بود» (آرونسون، ۱۹۸۱، ص ۳۴۵)

مطالعات لادبروک نشان می‌دهد که «سطح پایین نرخ جرم در ژاپن تا حدودی با توزیع یکنواخت درآمدی در آن کشور قابل تبیین است، وی بیان می‌دارد که جامعه ژاپن فاقد تنوع نژادی و فرهنگی بوده و این باعث شده است که تا با ایجاد نسل‌های آتی، نابرابری‌های درآمدی افزایش نیابد و به همین دلیل نرخ جرم و فساد اداری در این کشور در سطح پایین قرار داشته است.» (Ladbrook, D, ۱۹۹۸, p۱۰۳)

در دهه آخر قرن بیستم، افراد متعددی تلاش کردند که نرخ جرایم اداری را با توجه به میزان درآمد به وسیله کانال غیر مستقیم تعادل‌های سیاسی و اقتصادی بررسی کنند، گروه اول مانند بن حیب و رستی چینی، و کیفر و کنک اعتقاد دارند که افزایش نابرابری درآمدی باعث تشویق فعالیت‌های رانت‌جویی شده و در نتیجه حقوق مالکیت افراد را مخدوش و رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد.

گروه دوم مانند آلسینا و پروتی، معتقدند که افزایش نابرابری درآمدی باعث ایجاد و افزایش تنش‌های اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی و باعث افزایش بی‌اطمینانی می‌شود. در این صورت سرمایه‌گذاری کمتر شده و رشد اقتصادی کاهش خواهد یافت. (اخلاقی نویان، ۱۳۹۸، ص ۸۳)

## ۹. بحران اقتصادی

بر اساس یافته‌های جرم‌شناسی، دوران بحران اقتصادی نیز در نرخ فساد و بزهکاری اقتصادی تأثیر گذار است. در دوران بحران اقتصادی وضعیت اقتصاد خوب نیست و به رکود مواجه است و همین طور میزان مصرف، تولید و تقاضا نیز به چالش و رکود مواجه می‌باشد. در مقابل نرخ بزهکاری به صورت روز افزون به سمت افزایش متمایل است. زیرا که در این دوره فعالیت‌های شرکت‌ها و مؤسسات مالی و تجاری آسیب‌پذیر شده و مدیران در پی راهکارهایی برای حفظ موجودیت مؤسسه تجارتي خود هستند، این در

حالیست که در شرایط عادی مرتکب جرم نمی‌شوند، ولی در چنین شرایطی به آسانی به خاطر منافع خود و بخاطر زدودن چالش‌های موجود به سمت بزهکاری می‌روند.

بونگر (۱۹۴۰-۱۸۷۶) دانشمند هلندی، در اثر معروف خود تحت عنوان تبه‌کاری و شرایط اقتصادی که در سال ۱۹۰۵ در آمستردام نشر داد می‌نویسد «بین شرایط اقتصادی و ارتکاب فساد اداری و جرایم رابطه مستقیم وجود دارد و تحولات اقتصادی، نوع جرایم را تغییر می‌دهد. در اقتصاد صنعتی، جرایم خشونت‌آمیز تبدیل به ارتکاب جرایمی توأم با مکر و حيله و طرح نقشه قبلی تبدیل می‌شود، بحران اقتصادی، نوسانات قیمت‌ها، دستمزدها، وضع پول، تورم و بیکاری در ازدیاد جرایم مالی مخصوصاً سرقت تأثیر کلی دارد» (تاج زمان، ۱۳۸۸، ۳۵۲)

کارل مارکس بنیان‌گذار مکتب سوسیالیست در کتاب «مزد و سرمایه، در سال ۱۸۶۷» خود می‌نویسد «بحران اقتصادی، عدم تساوی در توزیع ثروت، افراد را به طرف ارتکاب جرایم مختلف می‌کشاند»

فرد ریش انگلس، فیلسوف، اقتصاددان آلمانی در دو کتاب خود که در سال ۱۸۴۴ و ۱۸۴۸ منتشر کرد، وضع اقتصادی انگلیس و انواع بزهکاری در آن را مورد بررسی قرار داده و با بررسی آمارها، تأثیر مستقیم وضع اقتصادی را در وقوع جرایم ارایه کرد و گفت، تورم، نوسانات قیمت‌ها، دستمزدها، وضع داد و ستد در ارتکاب فساد و جرایم تأثیر کلی دارد، اگر اوضاع اقتصادی کشوری رضایت بخش گردد، از تعداد بزهکاران بویژه جرایم علیه اموال کاسته می‌شود.

برخی از محققان معتقدند که «بزهکاری متعارف و به‌عادت نیز در این دوران افزایش می‌یابد زیرا اعتمادی به‌آینده اقتصادی کشور وجود ندارد، بیشتر جرایمی که در این دوران ارتکاب می‌یابد جنبه اقتصادی نداشته اما ریشه اغلب آن‌ها اقتصادی است. جرایم متعارف و عمومی نظیر سرقت، خیانت در امانت، کلاهبرداری که جنبه مالی دارند و جرایم رفتاری نظیر اعمال منافی عفت که غالباً ریشه در فقر و رکود اقتصادی دارند و حتی حالت‌هایی که فاقد عنوان مجرمانه‌اند اما ممکن است زمینه‌ساز ارتکاب جرم باشند، نظیر فرار از منزل، افسردگی، طلاق و نظایر آن بیشترین شیوع را در این دوران دارند. به‌علاوه بسیاری از انحرافات اخلاقی نیز در این دوران شایع می‌گردد؛ زیرا بیکاری و سوء اشتغال حتی در مواردی که فرد از بیمه بیکاری و خدمات درمانی نیز بهره‌مند است موجب نوعی سر درگمی و بی‌هویتی در فرد می‌گردد و از دست دادن جایگاه اجتماعی و بی‌هویتی فرد را به‌سوی بسیاری از انحرافات اخلاقی همچون اعتیاد، ولگردی و در مواردی به‌سمت خود فروشی سوق می‌دهد که تمامی این‌ها ریشه در رکود اقتصادی دارد.» (اخلاقی نویان، ۱۳۹۸، ص ۱۰۱)

## نتیجه

فساد اداری، پدیده‌ای است که در دنیای امروز به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، به‌عنوان یکی از مهمترین عوامل در سر راه پیشرفت کشور، قرار دارد. با وجود فساد اداری و هنجار گریزان در افغانستان، خبری از توسعه و رشد اقتصادی، سیاسی و اداری نیست. با توجه به پژوهش انجام شده پیرامون علل شناختی فساد اداری در پرتو یافته‌های جرم‌شناسی به این نتیجه مهم و قابل توجه دست می‌یابیم که عوامل گوناگون در شکل‌گیری فساد اداری، تأثیرگذار است و ماهیت آن را دشوار و پیچیده نموده است که در نتیجه آن، بسیاری از برنامه‌های طراحی شده دولت‌ها برای مبارزه با فساد به شکست مواجه شده است. از گذشته‌های دور تا به امروز با وجود برنامه‌های اصلاحات اداری و قوانینی که برای مبارزه با فساد اداری تعدیل و وضع شده است، چالش‌های فساد اداری، چالش زدایی نشده است و فساد همچنان بر عرصه‌های مختلف کشور صدمه جبران ناپذیری وارد می‌سازد.

نتایج بررسی‌های جرم‌شناسانه نشان می‌دهد که فساد معلول عوامل متعدد و گسترده‌ای است که بایستی در ترازوی نظریه‌های جرم‌شناسانه مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد تا علل واقعی و اصلی تشخیص داده شود و بر اساس آن، راهکاری در راستای چالش زدایی فساد در نظر گرفته شود.

به این ترتیب برای اینکه بتوان علیه فساد اداری مبارزه مؤثر و تأثیرگذاری در نظام اداری افغانستان انجام شود، قانون‌گذاران و طراحان سیاست کیفری، باید کیفرگذاری‌ها و جرم‌انگاری‌هایی در پرتو یافته‌های جرم‌شناسی با توجه به بررسی و شناخت‌شناسی علل اصلی و اموری که فرایند فساد اداری را تسهیل می‌کند، اقدام نمایند.

## منابع:

- اخلاقی نویان، محمد نبی، حقوق جزای اقتصادی افغانستان، کابل، انتشارات نشر واژه، ۱۳۹۸.
- افضل‌ی، رسول، ژئوپلیتیک از نگاهی دیگر، تمرکز زدایی از دانش قدرت، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی زمستان ۱۳۹۰.
- بیابانی، غلام حسین، نجفی، مرتضی، مجله علوم سیاسی، اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره ۲۸۸، مهر و آبان ۱۳۸۸.
- ثابتی پور، بهزاد، مکاتب و قلمرو جرم‌شناسی، فصلنامه علمی-حقوقی قانونیار، دوره دوم، شماره هفتم، ۱۳۹۷.

- چوشی، حسین، جرایم اقتصادی پیشگیری یا مجازات، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۱۰۶، اسفند ۱۳۸۹.
- خاطری، برهان، فرایند تکوین جرم، انتشارات خرسندی، تهران، ۱۳۹۰.
- دانایی فرد، چالش‌های مدیریت دولتی در ایران، تهران، نشر سمت، ۱۳۷۸.
- زاهدی، شمس سادات، نگرش بر فساد و آثار آن، دانش مدیریت، شماره دوم، بهار ۱۳۷۵.
- شکیبایی و احمدی، قاچاق کالا علل، آثار و شاخص‌های اندازه‌گیری آن، مجموعه مقالات سومین همایش قاچاق کالا و راه‌های پیشگیری از آن دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸.
- صادقی، حسین، و همکاران، تحلیل عوامل اقتصادی اثر گذار بر جرم در ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۸، بهار ۱۳۸۴.
- صمدی، علی حسین، آماره، جواد، جرایم اقتصادی، توزیع درآمد و توسعه اقتصادی، مجله جستارهای اقتصادی، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
- عزتی، مرتضی، امنیت اقتصادی در ایران، مرکز پژوهش مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۷.
- کی نیا، مهدی، مبانی جرم شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۳.
- مقیمی، مهدی، مطالعه حقوقی - جرم شناختی جرایم اقتصادی، با تأکید بر راهکارهای پیشگیری ملی و فراملی، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۷۵، تابستان ۱۳۹۶.
- مهدی یوسفی مراغه، علی سعادت، قادر زارع مهدوی، علل ارتکاب جرایم اقتصادی و راهکارها، فصل نامه انتظام اجتماعی، سال پنجم، شماره سوم پاییز ۱۳۹۲.
- نجاری، رضا، علل تخلفات اداری و چگونگی پیشگیری از آنها، ارتقای سلامت نظام اداری، ۱۳۷۸.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، جرم شناسی بزهکاری اقتصادی، تقریرات دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۱۳۷۴.
- نوغانی، محسن، بررسی عوامل مؤثر بر جرم (فرا تحلیلی از تحقیقات انجام شده در ایران) مجله پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۱ زمستان ۱۳۹۴.

- Shaw, C. R. , & McKay, H. D., Juvenile delinquency and urban areas (Rev. ed.), Chicago: University of Chicago Press, .۱۹۶۹
- Ladbroke, D. A., "Why are crime rates higher in Urban than in Rural Areas? Evidence from Japan. Australian and New Zealand", Journal of Criminology, .۱۹۸۸
- Matthews, Roger (۲۰۱۴). Rational Choice, Routine Activities and Situational Crime Prevention, Realist Criminology , .۲۰۱۴

